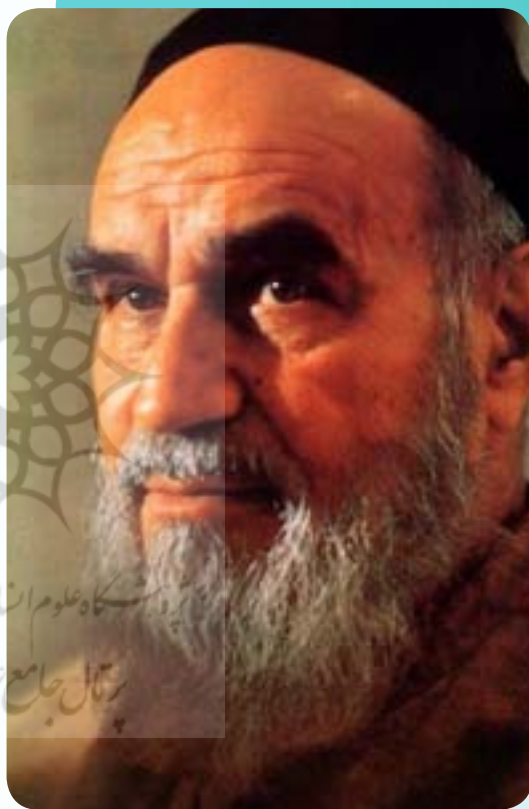


اخلاص در نگاه امام خالصان

حسن یویا

به بهانه بیست و دومین سالگرد ارتحال آن یار سفر کرده و به دیار باقی شتافته، که هزاران دل همراه خود برده و با نگاه به کتاب گران سنگ و ارزشمند «آداب الصلوه» حضرت امام خمینی به بیان اخلاص از نگاه ایشان می‌پردازیم.

«آداب الصلوه» یا «آداب نماز» یکی از کتابهای اخلاقی-عرفانی و سیر و سلوکی امام است که با نام آداب نماز و با توجه به حقیقت این عبادت بزرگ و دائمی که ریسمان اتصال انسان به خالق جهان است، به بیان حقایق بلند و ارزشمندی پرداخته و مباحثی را برای خوانندگان گرامی در طریق رسیدن به حقیقت نماز بیان داشته‌اند. در این نوشته کوتاه به بحث اخلاص که به تناسب «نیت» در نماز بدان پرداخته‌اند، اشاره می‌کنیم. حضرت امام خمینی، با استناد به آیه کریمه «**الا لله الدین الخالص**» (سوره زمر، آیه ۳) اخلاص را یکی از مهم‌ترین مسائل در نیت و در همه عبادات می‌دانند. و حقیقت اخلاص



را «تصفیه کردن عمل از هر چه غیر خداست و نیز پاک نمودن سر و باطن از غیر حق» به حساب می‌آورند، و کمال آن‌را «به پا نهادن بر نفس و منیت و بر هر چه غیر اوست» تفسیر می‌کنند.

بنابراین اندکی از نفسانیات و امور شیطانی، اخلاص را از بین خواهد برد، زیرا «**وما امروا الا ليعبدوا الله مخلصين له الدين**» (سوره بینه، آیه ۵) مامور نگشته‌اند مگر برای خالصانه‌ترین عبادات.

انسانی که رو به سوی خداوند نهاده است و جز او نمی‌جوید، آرامش را در توجه به خدا می‌داند و غیر او را

رها ساخته است. او دیگر حیران و سرگردان نیست، زیرا در اندیشه خوش آمدن و بد آمدن دیگران نیست. همه وجود خودش را در اختیار صاحب جهان نهاده و راه نجات را یافته است. امام عارفان و راهنمای سالکان می‌فرماید: آیه شریفه «ومن یرج من بیته مهاجرا الی الله و رسوله ثم یدرکه الموت فقد وقع اجره علی الله» (سوره نسا، آیه ۱۰۰) در بردارنده تمام مراتب اخلاص است. راهیان راه عشق و شتابندگان کوی دوست، با



ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

بدن هجرت صوری می‌کنند و با جان، هجرت باطنی. در نیت مسافر، گاه خواسته‌های نفسانی و هواهای دل خوابیده است که این، سفر به سوی خدا و رسولش نیست و آنگاه که سفر را برای او به انجام می‌رساند و از آنچه بهره می‌برد بر پایه اخلاص گام برمی‌دارد، هجرت به سوی خدا و رسول را محقق ساخته است. هجرت دیگر این مسافر که باطنی و معنوی است، به بیان امام خمینی، از خانه تاریک نفس آغاز می‌شود و نهایت مقصد آن نیز خداست. بی‌شک این مسافر که از قبیله راهیان بسوی حق است، سفر قلبی و عرفانی خود را از نفس و خودیت آغاز کرده تا به خدا برسد و اکنون جزا و پاداش او نیز تنها با خداست. سالک هر چه در این راه طالب باشد از مسیر منحرف شده و این سلوک الی الله نیست. پس باید سفر او تنها و تنها به سوی حق و برای حق باشد. اینچنین است که رسول گرامی اسلام فرمودند: «من اخلص لله اربعین صباحا جرت ینابیع الحکمه من قلبه علی لسانه»، آن کس که چهل صبح را

با اخلاص به پایان آورد، چشمه‌های حکمت از قلبش بر زبانش جاری می‌شود. این حدیث را نیز حضرت امام به همه مراتب اخلاص برمی‌گردانند که اخلاص در عمل و اخلاص در اوصاف و اخلاص در ذات باشد.

مراتب اخلاص

برای رسیدن به اخلاص و مرحله‌نهایی آن، نیازمند طی کردن مراتب اخلاص هستیم و شناخت آن مراحل لازمه اولیه رسیدن به آنها و رفع موانع آن می‌باشد.

مرتبۀ اول، تصفیه عمل است چه اعمال ظاهری و چه اعمال باطنی، از رضایت مخلوق و دیگر منافع نفسانی و نجات از ریا.

مرتبۀ دوم، تصفیه عمل است از مقاصد دنیایی و منافع زودگذر این مرحله گاه همراه با عبادات، برای رسیدن به اثرات آنهاست. مثل نماز شب برای توسعه روزی، خواندن نماز اول ماه برای نجات از بلاهای طول ماه و دادن صدقه برای سلامتی است، که باید برای رسیدن به مقصد اعلا این عبادات تلاش کند نه برای اثرات دنیایی آنها.

مرتبۀ سوم: تصفیه عمل است از رسیدن به بهشت و قصرهای آن، که بهشت جسم است و جسمانیات. زیرا این نیز در نظر سالکان، عبادت تاجران است.

مرتبۀ چهارم، آنست که عمل را تصفیه کند از ترس از عذاب‌های جسمانی که در جهنم مهیا گشته است. چرا که این عبادت نیز ارزش ندارد و اهل معرفت را به آن کاری نیست، زیرا این نیز مانند ترس از گرفتاری‌های دنیوی است و یا برای رسیدن متاع دنیوی است.

مرتبۀ پنجم، پاک‌سازی عمل است از رسیدن به سعادت و لذت‌های روحانی و رسیدن به جایگاه کروبیان و مقربان. این مرتبۀ گرچه درجه عالی و مقصدی مهم و مرتبۀ‌ای از مراتب اهل سلوک است ولیکن باز در نظر اهل الله، ناقص است و باید به مراحل بعدی برسد.

مرتبۀ ششم، مرتبۀ تصفیه عمل از ترس نرسیدن به مقامات و دوری از لذات آن است، که در نظر اهل الله مرتبۀ نهایی نیست.

مرتبۀ هفتم، تصفیه و پاک‌سازی عمل است از رسیدن به لذات جمال الهی و سرور لقاء و این مرتبۀ گرچه دست‌خاوص بدان می‌رسد و از اهل معرفت، اهل حب به آن دست می‌یابند و در مناجات شعبانیه، حضرات ائمه به آن اشاره کرده‌اند و لکن مرتبۀ دیگری باقی مانده است.

مرتبۀ هشتم، تصفیه عمل است از ترس از فراق و دوری که امیرمؤمنان علی می‌گوید: «کیف اصبر علی فراقک» چگونه بر فراق و جدائی تو صبر کنم.

در نهایت، برای رسیدن به مراتب اعلا سلوک پاک‌سازی عمل از این دو مرتبۀ آخر لازم و ضروری است و این کمال خلوص است. در نگاه حضرت امام خمینی، مراتب دیگری نیز متصور است که از حدود اخلاص خارج

است و به توحید و تجرید نفس می‌رسد، که مختص خاصان درگاه الهی از انبیاء و اولیا است.

تحصیل اخلاص

حضرت امام در فصل چهارم این بحث، به تحصیل و فراگیری اخلاص می‌پردازد و در ابتدا می‌فرماید: اکنون که مراتب اخلاص و مقامات عبادات را تا اندازه‌ای دانستی، خود را مهیا کن برای تحصیل آن، که علم بدون عمل را ارزشی نیست و بر عالم حجت تمام‌تر و مناقشه بیشتر است.

سپس با اشاره به بخشی از مناجات شعبانیه که عرض می‌کنیم: «الهی هب لی کمال الاقطاع الیک و انر ابصار قلوبنا بضیاء نظرها الیک...» می‌فرماید:

آیا این حجاب‌های نور چیست؟
آیا نظر به حق، مقصود گلایه‌های بهشت است؟ آیا معدن عظمت، قصرهای بهشتی است؟ و آیا تعلق ارواح به حورالعین و محو در جمال زنان زیبا روی شدن است؟ آیا منظور از جذب که برای پیامبر در معراج حاصل شد



جذب اینان شدن است؟ یا انواری بالاتر از آن‌ها را می‌دید؟ مگر ائمه نفرمودند: «قلب سلیم آن است که ملاقات کند حق تعالی را در صورتی که در آن غیر حق نباشد»

منظور از این کلام نورانی، در نظر حضرت امام اینست که کمال اخلاص در او باشد و همه مراتب آن را طی کرده باشد، نه اینکه باغ و قصر و بوستان در آن نباشد، تا لایق دیدار حق شود. زیرا فرمودند: خدای تعالی «**لا من اتی الله بقلب سلیم**»، که هیچ سودی نمی‌بخشد مگر آن کس که با قلب سلیم به پیشگاه حق بیاید. در خاتمه این بحث حضرت امام نتیجه می‌گیرند که تنها راه نجات، اخلاص و خلوص و تصفیه است. باید تمام ریاهای افعالی و قلبی را به کنار نهاد. باید سرچشمه را صاف کرد تا به صافی و زلالی رسید. باید از جلب قلوب دیگران پرهیز کنی تا به او برسی. از این‌رو می‌فرماید: «از خواب گران بر آی، و به قلب خود برسان آیات شریفه کتاب الهی و صحیفه نورانی ربوبی را، این آیات با عظمت برای پیدا کردن من و تو فرو فرستاده شده»